



مقاله راجع به

تأثیر فعالیت شرکت های سهامی بالای تجارت افغانستان

تهیه کننده: گل پاچا فرقانی تره خیل

سال ۱۴۰۱/۱۴۴۴

ا	چکیده
ب	مقدمه
1	شرکتهای سهامی (انونیم)
1	تعریف شرکت و شرکت سهامی
1	اهمیت اقتصادی و ماهیت حقوقی شرکت سهامی
1	الف - اهمیت اقتصادی:
6	ب- ماهیت حقوقی
6	ثبت شرکت های سهامی
8	صورت تشکیل و تشکیلات اداری شرکت های سهامی
9	هیئت نظار و صلاحیت های در شرکت سهامی
10	تقسیم سرمایه به سهام
10	الف: مسئولیت دارندگان سهم
10	ب: تجارتي بودن عملیات شرکت
11	انواع شرکت های سهامی
11	شرکت های سهامی به دو نوع تقسیم شده است:
11	الف: شرکت سهامی عام
11	تعریف شرکت:
12	مشخصات شرکت سهامی عام:
13	ب: شرکت سهامی خاص:
13	تعریف شرکت سهامی خاص
13	ثبت شرکت سهامی خاص
13	مشخصات شرکت سهامی خاص
14	بحث درباره وجود شرکت سهامی خاص
14	تبدیل شرکت سهامی خاص به عام

- 17.....مدیر تصفیه و وظایف آن
- 18.....انحلال شرکت سهامی
- 21.....نتیجه گیری
- 23.....پیشنهادات
- 24.....منابع و مأخذ

چکیده

مسلك تجارت از جمله پيشه هاى است كه پيغمبر اكرم حضرت محمد "ص" به آن پرداخته و در طول سده ها از شهرت نيك برخوردار بوده است. تجارت در اسلام برپايه معنويت و فضيلت استوار است. اسلام به تجارت بهاي فراوان مى دهد و حتى كمال و نقصان عقل را بدان مشروط مىسازد، بدین معنی كه مبادرت به پيشه تجارت ملاك رشد و شكوفائی عقل تلقی گردیده است. يکی از مباحث مهم و اصولی در اقتصاد مسئله اخلاق است. از نظر اسلام فعاليت های تجارتي و اقتصادي باید توأم با اخلاق و معنويت بوده تا راه حاصله مشروع باشد.

شرکت های سهامی دارای نقش اقتصادی و تجارتي مهم و موثري در داخل کشور بودند و به دليل وسعت فعاليت های آنها در سطح تجارت داخلی و بين المللی و رقابت در این زمينه نمی توان اهميت این نوع شرکت ها را به قلمرو مرزهايی کشور محدود نمود، اما متاسفانه به دليل نامعلوم قانون شرکت های سهامی از طرف بعضی از اشخاص و حاکمان وقت لغو گردید.

مدیریت و كنترول در شرکت سهامی می تواند درارتقاء و افزایش میزان فعاليت و موفقیت شرکت بخصوص در زمينه های توليد، بازار سرمایه و كار فوق العاده مفید و موثر باشد. برای رسیدن به این هدف و به منظور جلب اعتماد مردم و سهامداران به سرمايگذاري در واحد های توليدي، صنعتی وخدماتی، پيشبيني مقررات لازم در مورد مدیریت و كنترول شرکت توسط نظارت كننده گان يا ارگان های تخصصی ضروری به نظر می رسد. امروزه در نظام های مختلف حقوقی به سهامداران حق رای و حق كسب اطلاع داده شده است تا بتوانند اطلاعات وسیعی از بیلانس، حساب سود و زیان و گزارش های مدیران و نظارت كننده گان كسب کرده و با آگاهی كامل در نحوه مدیریت و عملکرد شرکت اظهار نظر نمایند. با توجه به نقش مهم شرکت های سهامی عام در شكوفائی اقتصاد کشور و تامین رفاه جامعه، در این مقاله سعی شده با مطالعه تطبیقی اجمالی از سایر مقالات راه حل های در این زمينه ارائه شود.

واژگان کلیدی: شرکت، سهام، بازار بورس، تجارت، بازارهای مالی

مقدمه

در اهمیت شرکت های سهامی همین نکته کافی است که بگوئیم در کشورهای صنعتی و پیشرفته هشتاد در صد فعالیت های اقتصادی و تجاری توسط شرکت های سهامی صورت می گیرد. اگر کشوری بخواهد که پیشرفت نماید، باید در چنین کشوری مشارکت عمومی رخ دهد یعنی با جمع آوری پس انداز های اندک مردم یک فعالیت اقتصادی و مولد شکل گیرد تا کشور در مسیر انکشاف گام بردارد و بهترین بستر در این خصوص شرکت های سهامی میباشد. مفاد یا سود پاره ای از شرکت های سهامی در دنیای امروزی معادل درآمد ملی چندین کشور است.

حفظ و توان اقتصادی هر جامعه در آینده درگرو سرمایه گذاری بهینه ای امروز آن جامعه است، سرمایه گذاری مطلوب موتور محرکه توسعه ای اقتصادی و اجتماعی است. این راهی است که هیچ مکتب نظام اقتصادی در آن شک ندارد. بنابراین، باید گفت که رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی در بلند مدت بدون توجه به سرمایه گذاری و عوامل مهم موجود در محیط سرمایه گذاری، که بر آن تاثیر میگذارد، امکان پذیر نیست. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تصمیم گیری در ارتباط با سرمایه گذاری در داخل یک کشور، میزان ریسک یا خطر آن است. بنابر این سرمایه گزاران در تصمیم گیری سرمایه گذاری در شرکت ها توجه زیادی دارند. افزون بر این شناخت عوامل عمده ای که سرمایه گذاری در شرکت ها تاثیر میگذارد، نیز دارای اهمیت است تا ازین طریق سرمایه گزاران بتوانند با در نظر گرفتن آن عوامل و میزان تاثیر آنها، در ارتباط با سرمایه گذاری در شرکت خود برنامه ریزی کنند و به یک سرمایه گذاری مطلوب دست یابند.

در اهمیت تجارت همین کافیسست که مبادله و تجارت آزاد میان انسان ها موجب رشد و شگوفائی اقتصادی جوامع بشر میگردد، احتمال بروز جنگ و درگیری را کاهش میدهد و صلح و دوستی پایدار را برای مردم به ارمغان میآورد. از جمله اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادلانه آن می باشد و در قرآن مجید به شرح زیر پیشبینی شده:

خداوند متعال فرموده است:- " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا" (۲۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجاری با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است.

همچنین در آیه ای دیگر میفرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ " (۳۴)

ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده. (۳۴)

یکی از چیزهایی موجب ازدیاد و تکمیل شدن عقل میشود، تجارت است، در روایات آمده است: التجارة تزيد في العقل" همین که انسان میخواهد فکر کند که این به نفعش هست بخرد یا نه؟ آیا به ضرر جامعه است یا نه؟ این مسئله در شکوفائی عقل او کمک می کند.

پس از دیدگاه اسلام، تجارت و معاملات مالی و اقتصادی، مایه شکوفائی اندیشه و عقل نظری و عملی فرد و جامعه نیز خواهد شد، و بر همین اساس است که رها ساختن تجارت رکود اقتصادی را به دنبال دارد.

تاسیس یک شرکت می تواند به اساس دلایل مختلف صورت گیرد. بعضی اوقات در ایجاد یک شرکت، سهمگیری اشخاص متعدد به نسبت ضرورت مالی اجتناب ناپذیر است. البته این مسئله در مورد شرکت کوچک صدق نمی کند. از جانب دیگر امکان دارد در آغاز به فعالیت، صرف سرمایه دو شخص برای ایجاد یک شرکت کافی باشد، اما بعداً توسعه فعالیت های آن ایجاد سرمایه بیشتری را کند. امکانات تدارک سرمایه لازمه می تواند از طریق ازدیاد تعداد شرکاء بلند بردن سرمایه شرکت و یا مراجعه به قرضه های بانکی میسر گردد. بصورت عموم اشخاصیکه در کشور های اروپائی در قدم اول به تجارت انفرادی اقدام می کنند، بعداً به اساس مشوره محاسب و بانک طرف معامله خویش، به ایجاد یک شرکت اقدام کرده و کوشش می کنند تا در این راه اعضای خانواده یا دوستان خویش را با خود شریک و بدین صورت حاکمیت خویش را بر شرکت حفظ کرده تا معاملات شان در فضای اعتماد صورت گیرد.

شرکت ها به طور عموم دارای شخصیت حکمی بوده، از ارکان مهم تجارت جهانی محسوب می گردند و در عصر حاضر یک وسیله مهم اشتراک اشخاص را در تجارت ملی و بین المللی تشکیل می دهند. همچنان شرکت ها، یک از وسایل سهولت تجارت بوده، تداوم آن را مهیا کرده و باعث میگردد، که اشخاص حقیقی از یک سلسله خطرات بدور بوده و در حفظ و نگهداشت دارائی های شخصی خویش، از مسئولیت های لازمه حقوقی مستفید گردند. ایجاد یک شرکت در راستای تجمع اشخاص، تدارک سرمایه لازمه، اداره مفید بوده و از سیستم مالیات مربوط به شرکت ها، دارای مزایای قابل ملاحظه نیز می باشد.

شرکتهای سهامی (انونیم)

تعریف شرکت و شرکت سهامی

عقد شرکت دارای تعاریف متعدد می باشد که قرار زیر می توان آن را متذکره شد:

- عقد شرکت را می توان منحیث عقدی تعریف کرد، که به اساس آن دو یا چند شخص متعهد می شوند که هر یک از با تقدیم کردن قسمتی از مال و یا سهم گیری شان در کار، در پروژه مالی و یا قرارداد با هم سهیم گردند و هدف آنها شراکت در مفاد و ضرر و یا استفاده از منافع اقتصادی پروژه باشد.

به اساس ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی افغانستان شرکت چنین تعریف شده است: "شرکت عبارت از عقدیست که به موجب آن دو یا زیاده اشخاص تعهد می کنند تا در به کار انداختن یک فعالیت مالی به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار طوری سهیم شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که بین آنها صورت گرفته، توزیع گردد." اصولنامه تجارت نیز شرکت های تجاری را تعریف کرده است به اساس ماده ۱۱۶ اصولنامه تجارت: "شرکت های تجاری عبارت از اشتراک اشخاص است که به مقصد اجرای معاملات تجاریه در موضوع واحد یا متعدد به وجود آید." همچنان در ماده دوم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت که به موجب فرمان تقنینی در سال ۱۳۸۵ نافذ شده بود در تعریف شرکت چنین بیان می دارد. "شرکت اتحاد دو یا بیش از دو شخص است که به اساس عقد شراکت به حیث مالکین مشترک به منظور کسب مفاد ایجاد و فعالیت می کند." شرکت که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی کل سهام هر یک از آنان است. [1]

طبق ماده ۲۶۶ اصولنامه تجارت و طبق ماده (۴) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت شرکت سهامی را چنین تعریف نموده است "شرکت سهامی عبارت از شرکتی است که در تحت یک عنوان معین برای معاملات تجاری تشکیل شده سرمایه آن معین و منقسم با سهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک باندازه سهم آن محدود باشد. [2]"

اهمیت اقتصادی و ماهیت حقوقی شرکت سهامی

الف - اهمیت اقتصادی:

در اهمیت شرکت های سهامی همین نکته کافی است که بگوئیم در کشورهای صنعتی و پیشرفته هشتاد در صد فعالیت های اقتصادی و تجاری توسط شرکت های سهامی صورت می گیرد. اگر کشوری بخواهد که پیشرفت نماید، باید در چنین کشوری مشارکت عمومی رخ دهد یعنی با جمع آوری پس انداز های اندک مردم یک فعالیت اقتصادی و مولد شکل گیرد تا کشور در مسیر انکشاف گام بردارد و بهترین بستر در این خصوص شرکت های سهامی میباشد. مفاد یا سود پاره ای از شرکت های سهامی در دنیای امروزی معادل درآمد ملی چندین کشور است.

شرکت های تجاری جایگاهی خاص امروزه در روابط تجاری به خود اختصاص داده اند. امروزه مبادلات در اشکال مدرن خود دیگر شیوه های سنتی تجارت خانه ای را نمی پذیرد. صاحبان سرمایه و ارباب تجارت و مشتریان به

سرمایه‌گذاری در شکل موسسه و بنگاه دارای شخصیت حکمی علاقه بیشتری نشان می‌دهد و می‌توان چنین گفت که اغلب فعالیت های تجاری در قالب شرکت های تجاری نهادینه شده است که شرکت های تجاری را میتوان امروزه پیدا کرد که در قالب شرکت تجاری صورت نگیرد. لذا در دنیای امروزی شرکت تجاری اهمیت زیادی دارد.

شرکت های سهامی شکل حقوقی شرکت های بزرگ صنعتی یا تجاری مانند: ذوب آهن، صنایع شیمیایی و الکترونیکی، بانک ها، شرکت های بیمه و حمل و نقل، صنایع استخراج ذغال سنگ و تولید فولاد و مواد نفتی را تشکیل می‌دهند. این شرکت ها نیاز به سرمایه های عظیمی دارند و می‌توانند با صدور اوراق بهادار از قبیل سهام و اوراق قرضه، سرمایه لازم را از پس انداز های مردم و یا بعضی از سازمان ها مانند: شرکتهای بیمه، بانک ها، شرکت های سرمایه‌گذاری، فراهم نماید. اوراق بهادار مذکور به آسانی قابل نقل و انتقال بوده و از پس انداز کننده گان با تقلیل خطرات مالی کمتری (در حدود مبلغ اسمی) اطمینان دارند که هر وقت می‌تواند اوراق بهادار مذکور را خریداری و سپس آنها را به دیگری انتقال و یا در بازار بورس به فروش برسانند. باید توجه داشت که جمع آوری پس انداز های کوچک مردم و سرمایه گذاری با آنها در واحدهای تولیدی موجب توسعه اقتصادی کشور و تقبل تورم و بالاخره بهبود زندگی طبقات کم در آمد جامعه می‌گردد. زیرا هرگز چند نفر قادر نخواهد بود که با سرمایه های شخصی خود واحد تولیدی مهمی را تاسیس و اداره و سپس آن را توسعه دهند. مگر اینکه مردم با پس انداز های خود در چنین واحد مشارک نمایند. اما دولت ها در مورد این قبیل شرکت ها هرگز بی تفاوتی نبوده، و با وضع مقررات آمره و گاهی با سهام شدن در شرکت های سهامی از منافع جامعه حمایت می‌کنند. زیرا شرکت های سهامی فقط مورد توجه پس اندازکنندگان نبوده بلکه با توسعه اقتصادی کشور و وضع زندگی مزدگیران و کارگران و بانک ها ارتباط بسیار نزدیک دارند. در خاتمه در مقابل الزامی توسعه اقتصادی کشور، استفاده از پس انداز های مردم امروزه ضروری می‌باشد. توضیح اینکه در کشور های سرمایه داری کار خانجات و شرکت ها از منابع پس انداز افراد تغذیه می‌شوند و افراد با میل خود مبادرت به خرید سهام با اوراق قرضه نموده با استفاده از نفع آوری و پس انداز مجدد، یک نوع خودکفائی مالی هم برای صاحبان سهام و هم برای بنگاه ها تجاری ایجاد نماید.

اما در کشور های سوسیالیستی قبلی پس انداز های مردم از طریق مالیات جذب می‌گردد. بنابراین اگر در آمد های مذکور در راه سرمایه گذاری به کار برده شود سودمند خواهد بود. طوریکه در ماده دوم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت منتشره جریده رسمی (۱۳۸۵) سال چنین بیان شده است: "هیچ شخص نمی‌تواند به حیث شرکت سهامی بدون داشتن جواز فعالیت معاملات و اعلانات تجاری را در افغانستان انجام دهد." در فقه در یک تقسیم بندی کلی شرکت را به دو دسته شرکت ملک و شرکت عقود تقسیم می‌نمایند. شرکت ملک را شرکتی می‌دانند که دو یا بیش از دو شخص به صورت مشترک عینی را مالک باشند. " که این خود به دو قسم است شرکت ملک اختیاری که دو شخص یا بیشتر از آن مال التجاره ای را خریداری نمایند و شرکت ملک اجباری زمانی بوجود می‌آید که در آن دو شخص یا بیشتر از آن در به وجود آوردن این شراکت نقشی نداشته اند مثلاً زمانی که مالی برای دو یابیشتر از دو شخص به ارث می‌رسد. نوع دوم شرکت در فقه شرکت عقود است که دو یا بیش از دو شخص مال التجاره را برای بدست آوردن سود شریک شوند. در حقوق موضوعه شرکت ها را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد که عبارت اند از :

1. شرکت های مدنی

2. شرکت های تجاری

3. شرکت های مدنی در قالب شرکت های تجاری

که شرکت های مدنی به آن دسته از شرکت های اطلاق می گردد که برای دستیابی به سود تشکیل می گردند. لیکن موضوع فعالیت شرکت های مدنی فعالیت هایی است که از جمله معاملات تجاری مندرج در قانون تجارت بشمار نمی آید. معاملات تجاری آن دسته از معاملاتی است که در ماده ۱۴ قانون تجارت که چنین صراحت دارد: " اشخاص تاجر یا غیر تاجر که اموال منقول را به مقصد فروش یا اجاره دادن به دیگری خریداری مینمایند و آن اموال منقول را بحالت اصل آن و یا بشکل دیگری تبدیل نموده بفروشند و یا اجاره دهند، این فروش و اجاره از معاملات تجارت محسوب می شود." و ماده ۱۹ قانون تجارت که چنین حکم میکند: " معاملات ذیل بدون رعایت نیت طرفین، معامله تجاری محسوب میشود:

1. کمیشن کاری

2. دلالی

3. معاملات برات و حجت و چک

4. معاملات صرافی

5. معاملات بانک های خصوصی و عمومی

6. معاملات حساب جاری و مقاولات مربوط به آن

7. معاملات راجع به اسناد گروی و رسیدات که در مقابل انواع موضوعه در گدام های عمومی موجود شده باشد.

8. تشکیل شرکت های تجاری و خرید و فروش سهام

9. عقد هرنوع بیمه در مقابل، مخاطرات خواه به اجرت عقد شود و خواه با شرایط متقابل "

که در تمام این معاملات خرید مال منقول به قصد فروش، حمل و نقل مسافر و کالا، معاملات بانکی، معاملات راجع به اسناد تجاری، بیمه، کمیشن کاری و ... می باشد. اگر شرکتی اعمالش از معاملات تجاری مندرج در این مواد خارج گردید و موضوع فعالیت آن را معاملات مدنی تشکیل داد چنین شرکتی بنام شرکت مدنی به حساب می آید. شرکت تجاری شرکتی است که موضوع فعالیت آن را انجام معاملات تجاری تشکیل می دهد. که خود شرکت های تجاری به سه نوع کلی تقسیم می شود.

الف: شرکت های اموال یا سرمایه: در شرکت های سرمایه فقط سرمایه مورد توجه قرار می گیرد.

ب: شرکت های اشخاص: بین دو یا بیش از دو شخص که با همدیگر شناخت قبلی دارند ایجاد می شود

ج: شرکت های مختلط: شرکتی که احکام خود را از شرکت های اشخاص و شرکت های سرمایه بدست می آورند آن را شرکت های مختلط می گویند.

همچنان در پالیسی صنایع افغانستان نیز از موضوعات در مورد انکشاف و چالش های صنعت در افغانستان قرار ذیل یادآوری گردیده است که تمام چالش های ذیل را می توان از طریق ایجاد و تاسیس شرکت های سهامی تا اندازه بیشتری مرفوع نمود در پالیسی صنایع در بخش ۲۹ آن نگاشته شده است که شرکت ها بصورت کل با سه مشکل عمده برای دسترسی به قرضه از بانک های خصوصی مواجه می باشند: اول اینکه در مقایسه با کشور های منطقه و جهان بصورت کل نرخ تکتانه در افغانستان بسیار بلند است- بیشتر از ۱۷ فیصد. در حالیکه بانک تشیثات کوچک و متوسط در هند قرضه را به تکتانه از ۳ الی ۱۳,۷۵ فیصد در اختیار شرکت ها قرار می دهد. و بانک ها در پاکستان حد اکثر تکتانه در قرضه های که به شرکت ها فراهم می نماید بیشتر از چهار فیصد نمیباشد. روی همین دلیل برای شرکت های لمیندافغانی بسیار مشکل است تا مفاد کافی از بخش قرضه هابدست بیاورند که هم قرضه بانکی با مفاد آن را پرداخت نمایند و برای خود شان عاید نمایند. علاوه برآن، با تکتانه بلند یعنی بلند تر از ۱۷ فیصد شرکت های افغانی نمی توانند با شرکای تجارتی منطقوی که از مزیت نسبی در تولید امتعه و خدمات بر خوردار هستند، رقابت نمایند. اگر بازار های مالی در افغانستان فعال گردد، قانون شرکت های سهامی دوباره تصویب و تائیدگردد و شرکت های سهامی با نشر اوراق قرضه و سهام شان سرمایه های کوچک را جمع آوری نمایند و پروژه های بزرگ را در افغانستان تطبیق کنند هم بستر رفاه و آسایش برای مردم هموار خواهد گردید و هم رشد و انکشاف اقتصادی نصیب مردم افغانستان خواهد شد، مورد دوم که صنعت کاران را به چالش کشیده است اینکه، میعاد قرضه ها که توسط بانک های خصوصی برای شرکت ها پرداخت می شود کوتاه مدت می باشد بناء از لحاظ زمانی، پرداخت قرضه های کوتاه مدت برای شرکت ها زیاد مفید نبوده است، بگونه مثال هرگاه شرکت ها ماشین آلات و وسایل مورد ضرورت خویش را از طریق قرضه که از بانک بدست آورده اند، خریداری نمایند، پرداخت قرضه و مفاد آن به بانک قرضه دهنده برای اکثر شرکتهای افغان غیر ممکن به نظر می رسد. در صورتی که شرکت های سهامی فعال باشند و مردم خود سهامدار شرکت های سهامی باشند این مشکل بطور اتومات حل می گردد. و با لآخره چالش سوم نداشتن وثیقه و اسناد معتبر است که بانک های تجارتی از شرکت های قرضه گیرنده مطالبه می نمایند. هر شرکت صرف نظر از بزرگی و کوچکی آن مجبور است تا اسناد معتبر را بخاطر بدست آوردن قرضه برای بانک ارائه نماید. در غیر آن بانک های خصوصی برای آن عده از شرکت های که اسناد معتبر و قابل قبول برای بانک ها ارائه ننمایند، قرضه فراهم نمی نمایند. البته در این بخش نیز شرکت های سهامی با داشتن سرمایه گزاف مردمی مشکل سرمایوی خویش را حل نموده و سرمایه گذاری طویل المدت را انجام دهند. شرکت های سهامی در صورتی که تاسیس شود می توانند در سکتور های دارای اولویت بیشتر سرمایه گذاری نمایند که عبارت اند از: سکتور قالبین، سکتور کشمیره، سکتور پروسس مواد زارعتی، سکتور سنگ مرمر، سکتور استخراج، قطع و صیقل نمودن سنگ های مرمر، سکتور مواد ساختمانی و سایر سکتور های بزرگ و کوچک می توانند سرمایه گذاری دایمی نمایند. [3]

همچنان ده شرکت بزرگ جهان که در جدول شماره یک یادآوری گردیده نظر به حجم سرمایه گذاری آن باید الهام گرفت این که شرکت های سهامی می توانند شگوفائی، رفاه و آسایش و بالاخره رشد اقتصادی پایدار و با ثبات را به بار بیاورد.

ده شرکت سهامی با ارزش جهان در سال 2022 سرمایه به میلیارد دالر

شماره	نام شرکت	اندازه سرمایه	کشور مربوط	ملاحظات
	اپل	3000	امریکا	
1	مایکروسافت	2472	امریکا	
2	آرامکو نفت و گاز	1960	عربستان	
3	الفا بت گوگل	1917	امریکا	
4	آمازون	1844	امریکا	
5	تسلا صنعت موتر و انرژی	1154	امریکا	
6	فیسبوک میتا	936	امریکا	
7	این ویدیا	730	امریکا	
8	برکشایر هاتا دی	690	امریکا	
9	Taiwan Semiconductor	510	تایلند	
10	علی بابا	324	چین	
مجموع تمام سرمایه تحت دوران		15537		

مجموع سرمایه‌گذاری ده شرکت جدول فوق الذکر مبلغ پانزده هزار و پنجمصد و سی و هفت میلیارد دالر امریکائی میباشد که اکثریت سرمایه مربوط به افراد عادی جامعه بوده و در موفقیت هر شرکت افراد بخاطر منفعت شخصی شان دست دارد. که در بزرگترین بازار های بورس جهان که در ذیل جدول شش بازار بورس جهان را تذکر داده ایم سرمایه‌گذاری گردیده است:

جدول شش بزرگترین بازار بورس جهان در سال 2022

شماره	نام بازار	سال تاسیس	کشور مربوط	سرمایه دورانی	ملاحظات
1	بورس نیویورک	1817	ایالات متحده امریکا	22900	
2	بورس نزدک	1971	ایالات متحده امریکا	10800	
3	بورس توکیو	1878	جاپان	6220	
4	بورس شانگهای	1990	چین	5010	
5	بورس هنگکانگ	1891	چین	4300	
6	بورس لندن	1698	انگلستان	3700	
مجموع سرمایه تحت دورانی شش بازار بورس جهان مبلغ				52930	

با در نظر داشت بازار های بزرگ بورس در جهان و سرمایه تحت دوران آن که تخمیناً پنجاه و دو هزار و نه صد و سی میلیارد دالر می شود بزرگترین ساحه کار و سرمایه‌گذاری را در جهان بخود اختصاص داده است که در صورتی که افغانستان بتواند بازار بورس را در افغانستان فعال سازد در کنار کاهش بیکاری متضمن رشد اقتصادی خواهد شد. [4]

در بازار های مالی که در مقاله مربوط آن بطور واضح و مفصل در باره آن معلومات لازم جمع آوری و بشکل همه جانبه تحقیق با شرایط افغانستان روی موضوع بازار های مالی صورت گرفته است فقط از قسمت های مختلف که در بازار های مالی وجود دارد یاد آوری می گردد:

الف: قسمت سهام Stock

ب: قسمت شاخص Index

ج: قسمت کالا Commodities

د: قسمت اوراق قرضه Bond

با فعال نمودن بازارهای مالی می توان مزایای بیشتری از قبیل جذب سرمایه‌گذاری های خارجی و داخلی، ثبات پولی، نقدینگی بانکها، کاهش بیکاری و سایر مربوط به آن را می توان بدست آورد.

ب- ماهیت حقوقی

در مورد ماهیت حقوقی شرکت دو نظریه ای مخالف با هم وجود دارد :

دسته اول معتقدند که شرکت، قراردادی بیش نیست که بین شرکاء تنظیم می گردد و دسته دوم می گویند که شرکت تجاری شخصیت حقوقی مستقل دارد. [5] که هر دو مورد را قانون افغانستان قبول نموده است، ماده (۱۲۱۶) قانون مدنی چنین ذکر گردیده است: " شرکت عبارت از عقدیست که به موجب آن دو یا زیاده اشخاص تعهد می کنند تا در به کار انداختن یک فعالیت مالی به پرداخت مقدار مال یا انجام عمل یا اعتبار طوری سهمی شوند که مفاد و خساره به اساس موافقه که بین آنها صورت گرفته، توزیع گردد." همچنان در ماده (۲۶۶) قانون تجارت شرکت سهامی را چنین تعریف میکند: " شرکت سهامی عبارت از شرکتی است که در تحت یک عنوان معین برای معاملات تجاری تشکیل شده سرمایه آن معین و منقسم با اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود باشد" [6] و در قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت سال ۱۳۸۵ چنین بیان می دارد: "شرکت تجاری ایکه سرمایه آن معین و منقسم به اسهام بوده و اندازه مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود می باشد. " [7] بناء هر شریک در شرکت به اندازه سهم خویش مسئول می باشد و مفاد را نیز به اندازه سهم شان بین هم تقسیم می نمایند.

ثبت شرکت های سهامی

بی تردید شناخت و شفافیت نظام حقوقی حاکم بر ثبت رسمی انواع شرکت ها می تواند در توسعه کسب و کار و فیصدی فعالان تجاری بسیار حایز اهمیت باشد. یکی از آسیب های که در حوزه کسب و کار و تجارت داخلی و خارجی به نظر میرسد عدم شناخت قوانین بطور دقیق و مثبت نگر در مورد انواع شرکت ها می باشد که موضوعات ثبت را بطور جدی در نظر گرفته شود. البته ثبت شرکت ها در دایره ثبت تجارتی از جمله یکی از وجایب تجار و موسسین شرکت به شمار می رود. این ثبت از دولحاظ قابل اهمیت است:

اول: اینکه از یکطرف توسط ثبت در دفتر مذکور، دولت ها می توانند تجار را تشخیص و آمار دقیق در باره وضع تجارت و موضوعات آن به دست آورده و بالوسيله از آنها حمایت به عمل آورند.

ثانیاً- اینکه اگر یک‌عه اشخاص ذیعلاقه خواسته باشند در باره تجار، موضوعات مورد تجارت و راجع به امکانات آنها آگاهی حاصل نمایند، می‌توانند به دایره ثبت تجاری مراجعه کرده و معلومات لازم را به دست آورند. [8]

محل اجراء ثبت در دایره ثبت تجاری تحت نظر محاکمی صورت می‌گرفت اما طی فرمان دفتر ثبت مرکزی در چوکات وزارت صنعت و تجارت ایجاد گردیده که ثبت شرکت‌ها، سایر مشاغل و موارد مربوط به تجارت را که علاقمندان خواهان ثبت آن باشند ثبت می‌نماید که اداره ثبت مرکزی در سال ۱۳۸۷ مسئولیت‌های ثبت شرکت‌ها و سایر مشاغل را از محکمه تجاری به ریاست ثبت مرکزی انتقال دادند که در سال ۱۳۹۰ ریاست صدور جوازنامه‌های وزارت صنعت و تجارت با ریاست ثبت مرکزی مدغم گردید، نسبت به فعالیت‌های موثر این اداره در سال ۱۳۹۴ اداره حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان (آیسا) نیز با اداره ثبت مرکزی مدغم گردید که اکنون مسئولیت ثبت شرکت‌ها، تجارت‌ها و سایر مشاغل را بعهده دارد. [9] که در ماده یازدهم قانون شرکت‌های سهامی و محدود و مسئولیت سال ۱۳۸۵ چنین تذکر داده شده است: "دفتر ثبت مرکزی می‌تواند، ثبت الکترونیکی هر نوع معلوماتی را که مطابق احکام قانون مجاز باشد، پذیرفته و روش‌های اجرا، ثبت، نسخه برداری و تصدیق معلومات دریافت شده ذریعه کمپیوتر را تجویز نماید. و اسناد ذیل در دفتر ثبت مرکزی ثبت شده می‌تواند: سندی کتبی که معلومات مندرج آن مطابق احکام قانون معین گردیده باشد، سندی که به شکل تایپ شده یا چاپی به رنگ سیاه باشد، سندی که قابلیت نسخه برداری را داشته باشد، سندی که خوانا باشد، سندی که با یکی از لسان‌های دری یا پشتو ترتیب شده باشد، اساسنامه شرکت‌های خارجی به لسان خارجی بوده می‌تواند، مشروط بر اینکه ترجمه دقیق به لسان پشتو یا دری ضمیمه آن باشد. [10] مطابق ماده ۳۹ قانون تجارت اشخاصی که موضوعات را با سوء نیت خلاف حقیقت ثبت بنمایند، به جز محکوم می‌گردند و برای مدتی از حق انتخاب به عضویت اتاق‌های تجاری و صنعتی و معاملات در بورسیه‌ها محروم می‌گردند. حق طلب جبران خساره و ضرر اشخاصیکه به نسبت جرم مذکور متضرر گردیده‌اند محفوظ می‌باشد و عندالمراجعه ای متضرر به ارگان‌های قضائی محکمه می‌تواند به آن رسیدگی نماید. [11] همچنان مطابق به ماده سیزدهم قانون شرکت‌های سهامی و محدود مسئولیت دفتر ثبت مرکزی در صورتی تصدیق اسناد را صادر می‌نماید که سند مطابق احکام این قانون ترتیب و ثبت گردیده باشد. همچنان در ماده ۱۴ این قانون تذکر گردیده است که هر شخص می‌تواند جهت حصول اطمینان از موجودیت شرکت مربوط و تصدیق آن به دفتر ثبت مرکزی درخواست ارائه نماید. دفتر ثبت مرکزی مکلف است حقایق موجود در مورد سوابق شرکت سهامی ثبت شده در دفتر ثبت مرکزی را بدسترس درخواست دهنده قرار دهند. و تصدیق موجودیت شرکت سهامی متضمن نکاتی است که ۱. فعالیت شرکت سهامی در افغانستان، ۲. عدم انحلال شرکت یا توقف فعالیت آن ۳. اسم شرکت سهامی داخلی یا خارجی ثبت شده در افغانستان، ۴. تاریخ ایجاد شرکت سهامی و مدت دوام آن، مشروط بر اینکه مدت دوام آن محدود باشد. ۵. شرکت سهامی خارجی در صورتیکه جواز فعالیت معاملات تجاری در افغانستان را دارا باشد و ۶. تاریخ ثبت اساسنامه در دفتر ثبت مرکزی باید موارد فوق به مراجعین تصدیق گردد.

مطابق به قواعد تجاری و قوانین هر تجارت باید ثبت شود که شامل اقتصاد رسمی گردد، در زمینه ماده (۲۴) قانون تجارت افغانستان چنین بیان داشته است: "یک دایره بنام ثبت تجارت تحت نظارت محاکمی که مکلف بر حل و فصل دعاوی تجاری می‌باشد، موجود است همچنان در ماده ۲۵ قانون متذکره دایره ثبت تجارتی تحت نظارت رئیس محکمه

مربوطه به یک مامور مسئول و مکلف محول می شود. همچنان مطالبی که تجار و شرکت های تجاری باید آنرا ثبت نمایند مطابق ماده ۲۸ قانون تجارت عبارت اند از اینکه، اسم شخص حقیقی یا شرکت، ولدیت، محل تولد و تاریخ آن، تابعیت شخص یا شرکت، عنوان تجارت، موضوع تجارت، نوع شرکت و تاریخ تاسیس آن و همچنین مرکز اصلی شرکت، سرمایه شرکت (تجار انفرادی از این فقره مستثنی است) اشخاصیکه در امور تجارت خانه یا شرکت دارای صاحبیت امضاء اند و سایر خصوصیات که ثبت آن اصولاً اجباری قرار داده شده باشد. ثبت تجارت خانه ها و شرکت ها به اثر مراجعه شخصی علاقمندان و یا به اثر مراجعه وکیل قانونی شان اجراء می شود، به همان صورت به اثر ارسال اوراق و اسناد رسمیه که رسماً ترتیب شده و حاوی مطالبه ثبت باشد هم اجراء می گردد. [12] مطابق به مواد قانون متذکره موضوعاتی که حل آن به حکم یک محکمه مربوط باشد یا مامورین ثبت راجع به ثبت قطعی آن متردد باشند، قرار خواهش علاقمندان، بصورت موقتی به دفتر ثبت قید می گردد. چنین موضوعات که بصورت موقتی ثبت می شود، اگر در ظرف شش ماه قطعیت آن به اثر مراجعه علاقمندان به اثبات رسیده نتواند، قید موقتی از دفتر حذف می شود. اگر قطعیت آن اثبات شود، قرار اصل اصول ثبت بصورت قطعی قید می شود.

صورت تشکیل و تشکیلات اداری شرکت های سهامی

برای تشکیل عقد شرکت علاوه بر ارکان عمومی مانند تراضی، موضوع و سبب رکن خاص نیز ضرورت دارد که عبارت اند از اینکه هر شریک مالی را به عنوان حصه و سهم خود وارد شرکت مینماید، تمام شرکاء در سود زیان سهیم می باشند، قصد شرکاء تشکیل و تاسیس شرکت باشد.

شرکت های سهامی دو صورت تشکیل میابد یکی بصورت آنی (منحصر بر مؤسسان و دوم بصورت تدریجی) (به اساس سهم گیری عمومی شرکت های سهامی حد اقل از پنج نفر مؤسس و سهامدار تشکیل میابد. مراد از سهم گیری، تعهد کردن شخص به تادیه مبلغ معین در سرمایه شرکت، در مقابل کسب منفعت است. مؤسسان کسانی اند که اساسنامه راتهییه و بر آن امضاء می کنند. از جمله موضوعاتی که باید در اساسنامه درگردد، می توان از عنوان شرکت و موضوع آن، مرکز شرکت، تعیین مقدار سرمایه ابتدائی و نوع اسهام، قیمت هر سهم و شرایط تادیه، طرز انتخاب هیئت مدیره و هیئت نظر، صلاحیت های آنان و قید مدت دوام شرکت یاد آور گردید. چنانچه موارد فوق در ماده ۲۷۰ قانون تجارت صراحت دارد.

در شرکت های سهامی سه بخش مانند مجمع عمومی سهامداران، هیئت مدیره و هیئت نظر فعالیت دارند که مجمع عمومی عبارت از اجتماع اشخاصی است که شخصیت حقوقی را به وجود آورده و یا شخصیت حکمی شرکت وابسته به وجود آنها است. این مجمع عالی ترین مرکز قدرت شرکت بوده و تعیین کننده مقررات در شرکت می باشد. هیئت مدیره اقل از سه نفر تشکیل می شود، که از طرف مجمع عمومی انتخاب می شوند شرایط عضویت هیئت مدیره در شرکت های دولتی که مشابه به شرکت های سهامی میباشد مطابق به ماده (۱۷) قانون شرکت های دولتی که چنین صراحت دارد: " سن سی سالگی را تکمیل نموده باشند، از طرف محکمه ذیصلاح از حقوق مدنی محروم نشده باشد، سابقه ورشکستگی نداشته باشد. سند لیسانس در عرصه تجارت، حسابداری، حقوق، تکنالوژی معلوماتی یا امور مالی داشته باشد. حد اقل ده سال تجربه کاری در امور تجاری داشته باشد. شهرت نیک داشته باشد، تضاد منافع در شرکتی که انتخاب می گردد، نداشته باشد، عضو هیئت سایر شرکت ها نباشد. [13] که با در نظر داشت شرایط فوق باید شرکت های سهامی هیئت مدیره خویش را

تعیین و انتخاب نماید که هر یک از اعضای هیئت مدیره حداکثر برای سه سال انتخاب میشوند و اگر در اساسنامه مانعی نباشد، انتخاب مجدد آنها مجاز است. هر سال اعضای هیئت مدیره برای خویش یک رئیس و هنگام ضرورت معاونی هم انتخاب میکند. هرگاه به عوض عضو معزول، شخص دیگری به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب شود باید موضوع به اولین اجتماع مجمع عمومی پیش کش گردد. عزل اعضای مدیره که ذریعه اساسنامه انتخاب شده اند، در صورتی که مجمع عمومی آن را تصویب کند، جایز می باشد. هیئت مدیره صلاحیت دارد تا شرکت را اداره کند، معاملات حقوقی را به نام شرکت اجراء کند، در صورت که منفعت شرکت ایجاب کند موضوعات را به مصالحه و حکمیت ارجاع کردن و همچنان اوراق و اسناد شرکت را اعتبار دادن و امضاء کند. همچنان هیئت نظار از اعمال هیئت مدیره نظارت کرده و مجمع عمومی را از اعمال انجام شده مطلع می سازد. حداقل دو نفر منعی هیئت نظار از طرف مجمع عمومی شرکاء انتخاب میشود و مدت دوره تصدی شان برای اول برای یکسال و برای سال های بعد برای مدت سه سال می باشد. ثبت شرکت های سهامی باید موارد ذیل را در ابتداء در نظر داشته باشد:

الف: داشتن یک ایدیا/ طرح تجاری و تصمیم گیری برای انتخاب اعضای و مشخص کردن اهداف تجاری: قبل از تاسیس شرکت باید با افراد نخبه و با تجربه مشوره گردیده و از تمام مزایا، معایب، رقابت ها در بازار، تارگیت آینده، سنجش مصارف، بررسی عواید، جمع آوری سرمایه و بدست آوردن اطلاعات دقیق از چگونگی بازار ویژه گی های شرکاء شرایط و معیار های شراکت و سایر موارد لازم بعد از بدست آوردن این همه موارد تصمیم برای تاسیس شرکت اتخاذ گردد. در قدم دوم، تکمیل اسناد برای ثبت شرکت به اداره مربوطه عرض ثبت شرکت، مانند: تذکره تائید شده، سند نمبر تشخیصیه مالیاتی، چهار قطعه فوتو، حضور فیزیکی متقاضیان ثبت و یا وکیل قانون آنها، سند مقرر ثبت شده شرکت، نشان دادن حد اقل ۳۵ فیصد سهم سرمایه ابتدائی شرکت و سهامداران با ارائه اساسنامه شرکت که مزین امضاء و مهر تائید آنها باشد. موارد فوق در ثبت یک شرکت لازمی بوده و باید اسناد متذکره در زمان ثبت شرکت در ادارات مربوطه نزد موسسین موجود باشد.

هیئت نظار و صلاحیت های در شرکت سهامی

مطابق ماده (۵۹) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت سال ۱۳۸۵ وظایف هیئت نظار قرار ذیل توضیح گردیده است: " همکاری با هیئت مدیره در ترتیب و تجدید نظر بر صورت حساب های ملی شرکت، تدقیق اجراءات و بررسی دفاتر شرکت حد اقل یک مرتبه در شش ماه، تفتیش خزانه شرکت حداقل یک مرتبه در سه ماه بدون اطلاعیه قبلی، نظارت بر اجراءات هیئت مدیره مطابق احکام قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت سال ۱۳۸۵، اساسنامه و قواعد داخلی شرکت، اطلاع دهی در مورد تدویر مجمع عمومی عادی یا فوق العاده سهامداران، مشروط بر اینکه وظیفه را هیئت مدیره اجراء ننماید، حضور در مجالس مجمع عمومی سهامداران، دعوت تدویر مجمع فوق العاده سهامداران در حالات مهم یا عاجل، ارائه نتایج مطالعات در مورد صورت حساب مالی و سایر اجراءات شرکت و توزیع مفاد به جلسه سالانه مجمع عمومی سهامداران می باشد. [14] همچنان مطابق ماده (۱۷) قانون شرکت های دولتی هیئت نظار دارای صلاحیت های ذیل می باشد: " ریاست جلسات، حصول اطمینان از این که سایر اعضای هیئت از موضوع بشکل درست آن مطلع بود و معلومات کافی در باره موضوع در اختیار آنان قرار گرفته است تا بتوانند در زمینه ابراز نظر نمایند، تهیه و ترتیب

اجندای جلسه در هماهنگی با رئیس اجرائی هیئت نظار، در صورت لزوم تدویر جلسات فوق العاده هیئت نظار، تایید صورت جلسات هیئت نظار، در صورت کمبود در ترکیب هیئت مدیره، پیشنهاد غرض تعیین عضو جدید، ارزیابی خودی محرمانه هیئت نظار و ارائه گزارش نتایج آن به مراجع ذیصلاح که موضوع فوق الذکر را باید شرکت های سهامی نیز مدیر نظر گرفته و هیئت نظار و هیئت مدیره را تعیین و عزل نمایند. [15]

تقسیم سرمایه به سهام

مسلم است شرکت سهامی مانند سایر شرکت ها باید دارای سرمایه باشد و اساس کار هر شرکت تجاری سرمایه است منتهی در این نوع شرکت ها سرمایه باید به قسمت های مساوی تقسیم شده باشد و هر یک از اجزاء تقسیم را سهم گویند . چنانچه در ماده چهارم قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت، سهم را چنین تعریف نموده است: " سهم : واحد مقیاسی است که سرمایه یک شرکت سهامی به آن منقسم می گردد. شرکاء لازم نیست که هر یک فقط یک سهم داشته باشند بلکه هر شریک می تواند به هر مقدار که بخواهد سهم بخرد. همچنان در ماده چهارم فقره اول چنین تذکر گردیده است: "... اندازه مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود می باشد." مثلاً در شرکتی که سرمایه آن به یک صد سهم تقسیم شده است ممکن است یک شریک هفتاد سهم و شریک دیگر بیست سهم و بقیه شرکاء هر کدام یک سهم یا دو سهم داشته باشند .

الف: مسئولیت دارندگان سهم

در شرکت های سهامی شرکاء تا میزانی که سهم قبول نموده اند مسئول هستند و اضافه بر آن مسئولیتی ندارند چنانچه در ماده ۱۸ قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت تذکره گردیده است: " شرکت سهامی داخلی جهت انجام معاملات قانونی مطابق به احکام قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت و اساسنامه مربوط ایجاد و سرمایه آن معین و منقسم به سهام بوده و مسئولیت هر شریک به اندازه سهم آن محدود می باشد." و اگر شرکت به نحوی متضرر گردید که علاوه بر استهلاك سرمایه ، مبلغی هم قرضدار شد ، صاحبان سهام ملزم به پرداخت دیون شرکت نخواهند بود . مثلاً شرکتی که سرمایه آن دو میلیون واحد پولی است اگر ورشکست شود به نحوی که پنجم صد هزار واحد پولی پس از استهلاك سرمایه کسر بیاورد ، طلبکاران حق مطالبه از شرکاء را نخواهند داشت زیرا شخصیت و اعتبار شرکاء به هیچ وجه در شرکت دخالتی ندارد .

ب: تجاری بودن عملیات شرکت

هر قدر تمدن توسعه پیدا کند اموری که به اموال غیر منقول است بیشتر مورد نظر خواهد بود و مسلم است که آباد کردن آنها محتاج به سرمایه زیادی است که جز با تشکیل شرکت جمع آوری چنین سرمایه مقدور نیست. مثلاً به جهت احداث بندهای بزرگ و آبیاری مناطق لا مزرع و بایر یا برای خرید و فروش خانه ها و اراضی جهت احداث خیابان که سرمایه فردی کفاف مخارج آن را نمی کند، اگر شرکتی که متصدی انجام عمل باشد دارای شخصیت حقوقی نبوده و

نتواند مستقلاً معامله نماید و کارگر و کارمند استخدام کند از آن جهت شرکاء ناچاراً هریک به حساب شخصی خود این امور را انجام دهند، به هیچ وجه منظور سرمایه گذاران عملی نشده و رکودی در عمران و آبادی کشور پدید می آید .
با توجه به این که شرکت سهامی بازرگانی محسوب می شود و لو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد .
باید دانست که از انواع شرکت های تجاری فقط شرکت سهامی می تواند موضوع عملیات خود را امور غیر تجاری قرار دهد و الا شرکت های تضامنی و نسبی و با مسئولیت محدود نمی توانند موضوع عملیات خود را امور تجاری قرار دهند و اگر اقدام به معاملاتی غیر تجاری نمودند مشمول مقررات مربوط به امور تجاری نخواهند بود .
با تمام این احوال مقررات مربوط به اموال غیر منقول باید رعایت شود . مثلاً هرگاه شرکت سهامی شروع به خرید یا فروش اراضی نماید ثبت آن مانند اموال منقول در دفاتر تجاری کافی نبوده و باید در دفتر اسناد رسمی به ثبت رسیده و سایر تشریفات نسبت به آن مرعی گردد .

به نظر می رسد که قرار دادن حداقل تعداد شرکاء سه نفر، مربوط به شرکت های سهامی خاص است و الا در شرکت های سهامی عام عده شرکاء به شرحی که ذکر می شود کمتر از ۵ نفر نخواهد بود .

تعیین حداقل شرکاء به تعداد سه نفر جهت تطبیق با سایر مقررات شرکت های سهامی است [16] زیرا به موجب ماده ۳۰۱ اصول نامه تجارت شرکت های سهامی دارای هیئت مدیره ایست که اقلاً از سه نفر مرکب میباشد اعضای هیئت مدیره از میان سهامداران از طرف مجمع عمومی انتخاب میشود تعیین اولین اعضای هیئت مدیره ذریعه اساسنامه شرکت هم ممکن است . تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد. بنابراین اگر تعداد شرکاء کمتر از پنج نفر باشد زیرا در این صورت هیئت مدیره که باید از صاحبان سهام انتخاب شوند تشکیل نخواهد شد. [17]
تفاوت که شرکت سهامی با محدودالمسئولیت و سایر شرکت های دارد این است که شرکای شرکت در شرکت های سهامی بیشتر از دو نفر می باشد دلیل آن این است که مجمع عمومی شرکاء تصمیم گیری را با اکثریت آراء اتخاذ نمایند.

انواع شرکت های سهامی

شرکت های سهامی به دو نوع تقسیم شده است:

- ا. شرکت سهامی عام
- ب. شرکت سهامی خاص

الف: شرکت سهامی عام

تعریف شرکت:

شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسين آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند. به این طریق که مؤسسين قبلاً بیست درصد سرمایه را خودشان تعهد کرده اند و لا اقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس در یکی از بانکها سپرده و سپس اظهار نامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام ، به مراجع ثبت شرکت ها تسلیم می نمایند .

شرکت سهامی عام کامل ترین نوع شرکت سهامی است و مسلم است برای انجام امور مهمه از قبیل استخراج معادن و تجارت با کشورهای خارجی و تأسیس کارخانجات و ایجاد بندها و بانک ها تشکیل می شود که سرمایه فردی کفاف آن را نمی دهد .

فکر تأسیس هر شرکت ابتدا از ناحیه اشخاصی ایجاد می شود که به جهاتی که بستگی به این امر دارند: مانند این که امتیاز استخراج معادن و یا احداث خط آهن را به دست می آورند، یا این که خبرگی یا مطالعات اقتصادی امر به خصوصی دارند . مسلم است در این صورت به عده ای که هم فکر بوده و یا سرمایه دار هستند مشورت و در صورت موافقت شروع به تأسیس شرکت سهامی عام می نمایند .

مشخصات شرکت سهامی عام :

مشخصات شرکت سهامی عام که شرکت سهامی خاص فاقد آن است به شرح زیر می باشد :

1. در نام شرکت قبل از اسم شرکت یا بعد از آن بلافاصله کلمه عام اضافه می شود . چنانچه در ماده (۴۰) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت سال (۱۳۸۵) چنین تذکر گردیده است: " هر تاجر مجبور است تا اوراق و معاملات متعلقه تجارت خود را تحت یک اسم معین که عنوان تجارت تعبیر میشود، اجراء و امضاء نماید." همچنان در ماده (۴۴) همین قانون در بخش اخیر آن چنین مشعر است: " عنوان شرکت های سهامی عبارت است از موضوع شرکت به اضافه کلمه سهامی در شرکت های سهامی اسمای شرکاء و یا اشخاص دیگر بعنوان شرکت داخل شده نمیتواند." [18]
2. قبل از تشکیل شرکت قسمتی از سرمایه شرکت را با صدور اعلام اسناد سهم در اختیار عموم می گذارند تا اشخاص با مراجعه به بانک ها در خرید آن اقدام کنند.
3. هیئت مدیره شرکت سهامی عام کمتر از پنج نفر نخواهد بود و مطابق ماده ۳۴ قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت که چنین ذکر نموده است: "(۱) شخصی به صفت عضو هیئت مدیره تعیین شده میتواند که واجد شرایط ذیل باشد: اکمال سن هجده سالگی، عدم محرومیت از حقوق مدنی به اساس محکمه، سایر شرایطی که در اساسنامه پیشبینی گردیده باشد. (۲) هیئت مدیره متشکل از یک عضو یا بیش از آن میباشد که حد اقل و اکثر آن وسایر شرایط مربوط در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت مشخص میگردد. همچنان ماده ۳۵ همین قانون تعیین اعضای هیئت مدیره را بیان داشته است.
4. شرکت سهامی عام می تواند اوراق قرضه منتشر کند .
5. شرکت می تواند سهام خود را برای فروش در بورس اوراق بهادار و بانک ها عرضه نماید .
6. در شرکت سهامی عام نقل و انتقال سهم نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام باشد .
7. مفتشان شرکت سهامی عام باید دارای شرایط مخصوصی باشند و انتخاب آنها از ناحیه کمیسیون مخصوص صورت می گیرد. چنانچه در ماده (۵۹) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت سال (۱۳۸۵) چنین حکم می کند: "(۱) هیئت نظار شرکت های سهامی مرکب از دو یا بیش از دو عضو می باشد، که از طرف مجمع عمومی سهامداران

انتخاب می شوند، مگر اینکه در اساسنامه یا قواعد داخلی شرکت طور دیگری تصریح شده باشد. هرگاه هیئت نظار مطابق اساسنامه انتخاب گردد، دوره اول تصدی آنها یکسال بوده و بعداً برای حداکثر سه سال تعیین می شوند. هیئت نظار بعد از ختم دوره تصدی مجدداً انتخاب شده می تواند. (۲) عضو هیئت نظار نمی تواند همزمان عضویت هیئت مدیره را داشته ، یا امور تجارتي شرکت را اداره نماید. [19]

ب: شرکت سهامی خاص:

تعریف شرکت سهامی خاص

شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه آن توسط مؤسسين تأمین گردیده است. چون تشکیل شرکت های سهامی عام با تشریفاتى که در فوق ذکر شد طولانى است، مواد قانون تجارت برای امور ساده ترى که طبعاً شرکاء کمتری دارد یک نوع شرکت سهامی مقرر شده داشته که به شرح فوق شرکت سهامی خاص نامیده می شود. در افغانستان اکثر شرکت های که قبلاً ثبت و جواز برایشان صادر گردیده است شرکت سهامی خاص است. در این قبیل شرکت ها، صدور اعلامیه سند سهام که در بازار بفروش برسد وجود ندارد. تمام سرمایه از مؤسسين تعهد و اقلأ سی و پنج درصد آن در یکی از بانک ها به نام شرکت در حال تأسیس در حساب مخصوصی سپرده می شود. در صورتی که به عللی سرمایه شرکت تقلیل پیدا کند همان طور که قبلاً گفته شد باید شرکاء در ظرف یک سال آن را جبران کنند و الا شرکت را به نوع دیگری از شرکت ها از قبیل با مسؤلیت محدود یا تضامنی تبدیل نمایند. در نام شرکت باید کلمه خاص قبل از ذکر نام شرکت و یا بعد از آن بلافاصله اضافه شود مانند شرکت سهامی خاص آرش یا شرکت سهامی سبائون خاص و قید کلمه خاص باید در تمام نوشته های شرکت تصریحاً معلوم باشد. زیرا این نوع شرکت ها در حقیقت یک قسم شرکت سهامی خانوادگی و خصوصی است که مراجعه کنندگان باید اطلاع داشته باشند. [20]

ثبت شرکت سهامی خاص

برای ثبت شرکت سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه ضمیمه شده به اساسنامه که به امضاء کلیه سهام داران رسیده باشد و ورقه ای مشعر به تعهد کلیه سهام و گواهی نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت پرداخته شده آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد تمام تعهد باشد ضمن ارائه صورت مجلس عمومی مؤسسين حاکی بر تعیین مدیران و مفتش شرکت کافی است هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه گردد و صورت تقویم آن به تفکیک در اظها نامه منعکس شده و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیاز و موجبات آن در اظهارنامه قید شود. بنا به شرحی که گذشت مشخصات هر یک از انواع شرکت های سهامی به شرح زیر می باشد:

مشخصات شرکت سهامی خاص

مشخصات شرکت سهامی خاص عبارت است از :

1. در نام شرکت قبل از اسم شرکت یا بعد از آن کلمه خاص باید اضافه شود و این کلمه در کلیه نوشته های شرکت و آگاهی باید رعایت گردد .
2. سرمایه شرکت به وسیله خود مؤسسين تأمین می شود و حق صدور اعلام سند سهام را ندارند .
3. هیئت مدیره شرکت سهامی خاص حد اقل سه نفر و ممکن است از پنج نفر کمتر باشد .
4. شرکت سهامی خاص حق انتشار اوراق قرضه را ندارد .
5. شرکت سهامی خاص نمی تواند سهام خود را برای ظهر نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک ها عرضه نماید یا با انتشار آگاهی و اطلاعیه یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کند. [21]

قانون خاص بانکداری اجازه یک شخص را در تاسیس بانک داده است چنانچه در ماده هشتم قانون متذکره چنین بیان شده است: "بانک توسط یک یا بیش از یک شخص به حیث موسس و سهامدار مطابق احکام قانون بانکداری تاسیس می گردد." همچنان در ماده نهم احکام گردیده است که بانک بصورت شرکت سهامی یا محدودالمسئولیت ثبت شده می تواند. همچنان در فقرة اول ماده ۶۷ قانون بانکداری به بانک اجازه سرمایه گذاری مستقیم داده نشده است در ماده متذکره چنین تصریح گردیده است: " بانک نمی تواند، به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق یک یا بیشتر از یک شرکت تابع خویش، به عنوان عامل، نماینده یا شریک در تجارت عمده یا پرچون به تولید محصولات صنعتی، حمل و نقل، زراعت، ماهی گیری، معدن، ساختمان یا سایر فعالیت های تجاری بپردازد.

بحث درباره وجود شرکت سهامی خاص

عقیده برآنست که با وجود مقررات شرکت های سهامی عام تشکیل شرکت سهامی خاص لزومی ندارد. زیرا اگر افرادی بخواهند شرکتی با تشکیلات مختصر تر از شرکت سهامی عام داشته باشند ، می توانند از مقررات شرکت با مسئولیت محدود استفاده کنند . و شرکتی که بین سه ، چهار نفر با سرمایه مثلاً یک میلیون تشکیل می شود ، احتیاجی به مجمع عمومی و اجرای تشریفات شرکت های سهامی را نخواهد داشت .

البته در بعضی از کشور ها که در قانون شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی نشده ممکن است از مقررات شرکت های سهامی خاص استفاده شود . و الا تشکیل این قبیل شرکت ها با وجود شرکت های سهامی عام ممکن است موجب انحراف اذهان عموم یا مراجعه کنندگان بشود و منظوری که از شرکت سهامی عام حاصل است با تصویری که از اهمیت شرکت های سهامی در ذهن اشخاص وجود دارد احیاناً موجب سوء استفاده از نام شرکت سهامی خواهد بود .

تبدیل شرکت سهامی خاص به عام

شرکت سهامی خاص ممکن است در صورت تمایل صاحبان سهام ، به شرکت سهامی عام تبدیل شود . در چنین موردی رعایت چهار اصل ضروری است :

- موضوع تبدیل شرکت باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد .
- دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت ها گذشته و دو بیلانس¹ آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد .
- اساسنامه شرکت بر اساس شرکت سهامی عام تنظیم یا اصلاح شود .

در این صورت شرکت سهامی خاص باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب مجمع عمومی صورت جلسه مجمع را به ضمیمه اساسنامه و دو بیلانس و حساب نفع و ضرر که به تأیید حسابداری رسمی رسیده باشد و صورت دارایی شرکت اعم از منقول و غیر منقول و تقویم آن که مورد تأیید کارشناس رسمی وزارت عدلیه باشد ضمن اعلامیه ای به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم نماید.

مسلم است اعلامیه مذکور مطابق قانون باید حاوی تمام نکات و مزایای شرکت باشد از قبیل نام و موضوع و سرمایه و دیون و تعهدات که به تصویب و امضای صاحبان سهام رسیده باشد .

در صورتی که افزایش سرمایه به عمل آمده باشد مرجع ثبت شرکت ها مراتب را در جریده رسمی غرض اذعان عامه اعلان و به نشر میسپارد تا مردم و اشخاص ذینفع اطلاع حاصل نموده تا از ضرر آینده جلوگیری شده باشد. چون در ماده (۲۷) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت سال (۱۳۸۵) چنین تذکر گردیده است: شرکاء نمیتوانند عناوین ذیل را برای شرکت خود انتخاب نمایند: ۱- عناوینی که مطابق احکام قانون برای شرکت های سهامی معنون گردیده باشد. ۲- عناوینی که در دفتر ثبت مرکزی برای سایر شرکت های سهامی انتخاب و ثبت شده باشد. ۳- عناوینی شرکت های سهامی خارجی، مگر اینکه عنوان انتخاب شده از عناوینی شرکت های سهامی خارجی تشخیص و تفکیک شده بتواند. غرض تطبیق ماده قانون هر عنوان باید غرض آگاهی عامه نشر گردیده تا اشخاص ذینفع درمورد آن آگاهی حاصل نمایند. هرگاه شرکت در نظر داشته باشد افزایش سرمایه خود را از طریق فروش سند سهام شرکت به مردم در خرید سهام افزایش دهد و به این مناسبت قصد صدور اعلامیه سند سهم را داشته باشد، مجمع ثبت شرکت ها در بازار بورس بعد از تدقیق و ملاحظات لازم و پس از رسیدگی به اعلامیه اجازه انتشار آن را می دهد. در این صورت مانند سند سهم شرکت های سهامی عام، اعلامیه آن انتشار و اشخاص با مراجعه به بانک مربوطه در خرید سهام اقدام می نمایند. تنها تفاوتی که با تعهد اشخاص در موقع تقاضای ثبت شرکت سهامی عام دارد این است که باید قیمت اسمی سهام نقداً پرداخت شود. در چنین موردی پس از رسیدگی هیئت مدیره و اعلام به ثبت شرکت ها به شرح فوق و نشر آگاهی از طرف اداره ثبت، شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام تبدیل می شود.

تحلیل شرکت های سهامی به سرمایه‌گذاری مردم، سکتور خصوصی و سکتور دولتی

¹. بیلانس: یک صورت مالی اساسی است که وضعیت مالی واحد انتفاعی شامل دارایی ها و قرض ها و حقوق صاحبان سهام را در یک تاریخ معین نشان میدهد. معادله بیلانس نشاندهنده، توازن عناصر مالی درین صورت مالی است. حقوق صاحبان سهام + قروض = دارایی ها

فکتور	خصوصی شرکت	دولتی شرکت	مشارکت خصوصی و دولت PPP	نظر اصلی
ملکیت	اکثراً ملکیت مربوط به سکتور خصوصی می باشد	اکثراً ملکیت مربوط به دولت می باشد	ملکیت شرکت بین دولت و سکتور خصوصی شریک شده می تواند	باید ذهنیت سازی شود تا مردم شریک شرکت های سهامی شوند
امتیازات مربوط به شرکت	اصل فعالیت و انگیزه مدیران و مالکین شرکت برای بدست آوردن مفاد است	انگیزه کار و فعالیت وابسته به معاش مامورین شرکت است به نفع شرکت انگیزه کار وجود ندارد	انگیزه و امتیاز برای هر دو بخش وجود دارد. به مردم چی؟	اگر شرکای اصلی مردم باشند منافع ملی در آن متصور است
عوامل بیرونی	شرکت ها، بخاطر مفاد خودموارد محیط زیستی، مسایل اجتماعی و غیره را رعایت نخواهد کرد.	ممکن حکومت انگیزه مفاد به مردم یعنی مفاد اجتماعی، کنترل بازار و غیره مسایل را اولویت دهند اما انگیزه فعالیت و پیشرفت در آن متصور نیست	انگیزه مفاد برای هر دو طرف در نظر گرفته خواهد شد چون هر دو طرف در آن شریک هستند	اگر مردم در شرکت سهامی سهیم باشند انگیزه مفاد، رشد اقتصادی، کاهش بیکاری، کنترل محیط زیستی و غیره متصور خواهد بود.
موثریت	معرفی تکنالوژی جدید و افزایش تولید بدون در نظر داشت رعایت زیست محیطی، مفاد اجتماعی و غیره موارد	شرکت های دولتی جهت رعایت اصل کاهش بیکاری نمیتوانند کارمندان اضافی را تنقیص نمایند، که باعث ضرر به شرکت خواهد شد.	هر دو طرف میتوانند مشکل تنقیصات کارمندان و معرفی تکنالوژی جدید را حل نمایند. بدون در نظر داشت مفاد پیشبینی شده.	مردم میتوانند برای ثبات اقتصادی، و تداوم فعالیت شرکت برای چندین سال همکاری همه جانبه نمایند.
دانش	دشرکت های مفادی کارمندان با مهارت های	در شرکت های دولتی غرض مصلحت های	در استخدام کارمندان،	مردم تصمیم میگیرند که کی میتواند در شرکت فعالیت و

	بلند را استخدام میکنند	سیاسی، سیاسیون مداخله در امور شرکت خواهند کرد	مهارت، سیاست، لیاقت در نظر گرفته خواهد شد	استخدام شوند.
انحصار	شرکت های خصوصی ممکن نرخ های بلند تعین و بازار را در کنترول خود داشته باشند.	حکومت بدون در نظر داشت قیمت اصلی کالا نرخ تعین میکند ممکن کاملاً به ضرر شرکت باشد	کنترول بازار، تعین قیمت با در نظر داشت عوامل اجتماعی متصور است	تعین نرخ و کنترول قیمت با وضعیت و شرایط مردم با در نظر داشت منافع ملی متصور خواهد.
پروسه و پروسجرها	شرکت های خصوصی پروسه هارا آسان و بیروکراسی کم می داشته باشد،	شرکت های دولتی پروسه های مغلق و بیروکراسی در آن بیشتر می باشد	پروسه ها نسبتاً سهل و بیروکراسی در آن کم می باشد	پروسه های خیلی آسان و ساده، بیروکراسی در آن وجود نداشته، همه کارها عاری از فساد است.

مدیر تصفیه و وظایف آن

مسلم است پس از این که شرکت منحل شد، مدیران دیگر سمتی ندارند و چون ممکن است شرکت کارهای ناتمامی داشته باشد، مطالبات و قرضداری داشته یا اجناسی در انبار موجود باشد که باید به فروش برسد و حتی ممکن است دعاوی در محاکم داشته باشد و از همه مهمتر این که دارائی شرکت باید بین سهام داران تقسیم شود لذا وجود اشخاصی که نماینده شرکت در حال تصفیه باشند به جهت انجام این امور لازم است و این افراد را مدیران تصفیه گویند. مدیر تصفیه که اغلب از اشخاص بصیر و مورد اعتماد انتخاب می شود باید عهده دار کلیه امور شرکت بوده و تعهدات شرکت را انجام دهد، مطالبات را وصول کند و اگر لازم بود معاملاتی انجام دهد. چنانچه در ماده (۱۰۸) قانون شرکت های سهامی محدودالمسئولیت در مورد چنین بیان داشته است: "(۱) - محکمه می تواند در دعوایی که بمنظور انحلال شرکت سهامی اقامه شده باشد، یک یا بیش از یک مدیر را جهت انحلال و تصفیه یا یک یا بیش از یک متصدی را جهت اداره تجارت و امور شرکت سهامی در خلال میعاد انحلال منصوب نماید. (۲) مدیر تصفیه از اشخاص یا شرکت سهامی داخلی یا خارجی تعیین می گردد که با شرکت مواجه به انحلال رابطه نداشته و از موقف خود هیچگونه نفعی را (به استثنای معاش و جبران مناسب مصارف) بدست نیاورده در این صورت معاش و مصارف آنها از دارایی شرکت یا از ماحصل فروش آن پرداخته می شود. (۳) محکمه صلاحیت و مکلفیت مدیر تصفیه و متصدی را (که وقتاً فوقتاً قابل تغییر می باشد) در حکم خود مبنی بر تقرر آنها توضیح می دهد. (۴) متصدی می تواند صلاحیت های شرکت را از طریق هیئت مدیره یا بعوض آن تاحدی که برای اداره امور شرکت سهامی به منظور تامین بهتر منافع سهامداران و داننین لازم باشد، اعمال نماید."

مواد اصلاحی قانون تجارت برای مدیر یا مدیران تصفیه وظایفی معین کرده که قسمتی از آن به شرح زیر است:

1. به محض انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل و بلافاصله عهده دار انجام امور شرکت شوند .
 2. مدیران تصفیه نمایندگان شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داور و حق سازش دارا می باشند. محدود کردن اختیارات مدیران باطل و کان لم یکن است .
 3. انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که بر خلاف این ترتیب انجام گیرد باطل خواهد بود .
 4. تصمیم به انحلال شرکت و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی و محل اقامت آنها که قاعدتاً همان نشانی مرکز شرکت است (مگر این که نشانی دیگری تعیین شود) باید در ظرف پنج روز به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود .
 5. شرکت پس از انحلال در حال تصفیه محسوب و باید دنبال نام شرکت همه جا عبارت در حال تصفیه ذکر شود و نام مدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگاهی های مربوط به شرکت قید شود .
 6. مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند و اگر تا پایان دو سال امر تصفیه خاتمه نیافت مدیران تصفیه باید مجمع عمومی را دعوت و اگر از طرف محکمه انتخاب شده اند مراتب را به محکمه اعلام نمایند تا مأموریت آنها برای مدتی بیش از دو سال نباشد از طرف مجمع عمومی یا محکمه تمدید و یا اشخاص دیگری انتخاب شوند .
 7. مدیران تصفیه مکلف اند به شرح فوق انحلال شرکت را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام دارند و الا انحلال شرکت تا زمانیکه به ثبت نرسیده و اعلام نشده نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است .
 8. ممکن است علت تخلف یا سهل انگاری مدیر یا مدیران تصفیه ادامه کار آنها به صلاح سهام داران نباشد و یا این که طلبکاران با چنین مدیران تصفیه ای حق خود را در صدد ترضیع بدانند در این صورت به شرح زیر رفتار می شود .
- الف- هرگاه مدیران تصفیه به وسیله مجمع عمومی انتخاب شده باشند مجمع مزبور می تواند یکی یا تمام آنها را بر کنار نموده و اشخاص دیگری به جای آنها انتخاب نماید.
- ب- هرگاه انتخاب مدیر یا مدیران تصفیه به وسیله محکمه به عمل آمده باشد. محکمه بنا به شکایت ذینفع پس از رسیدگی به ثبوت مدعی او یعنی بر تخلف یا سهل انگاری مدیر یا مدیران تصفیه می تواند یکی یا تمام آنها را بر کنار نموده و اشخاص دیگری را به جای آنان انتخاب نماید.
- هرگاه مدیر تصفیه معین نشده باشد و یا اینکه تعیین شده ولی به وظایف خود عمل ننماید هر ذینفع می تواند به محکمه مراجعه و تعیین مدیر تصفیه جدیدی را از محکمه بخواهد.

انحلال شرکت سهامی

فعالیت شرکت ها همانند هر شخص حقوقی دیگر به دلایل مختلف زمانی به پایان میرسد. بنابر این پایان حیات شخصیت حقوقی با مفهوم انحلال همراه می باشد. انحلال شرکت به معنای گسترده تر از آنچه که در قانون آمده است، می

باشد. شرکت ها بنا بر عوامل مختلف مانند انحلال شرکت ذریعۀ قانون و اسبابی که در اختیار طرفین قرار دارد، منحل می گردند که شرکت های سهامی در موارد ذیل منحل می شوند :

1. وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن باشد .
2. در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت سپری شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد .
3. در صورت ورشکستگی
4. در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال بدهند
5. در صورت صدور حکم قطعی محکمه

باید اظهار داشت اینکه انحلال شرکت بدو نوع صورت می گیرد یکی اینکه به توافق طرفین شرکت که هیچ نوع منازعه در آن وجود نداشته باشد که به اساس ماده (۱۰۳) قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت که چنین حکم میکند: "هیئت مدیره شرکت سهامی می تواند انحلال شرکت را با اکثریت آراء تصویب و پیشنهاد آنرا با شرایط یا بدون شرایط جهت منظوری به مجمع عمومی سهامداران شرکت ارائه نماید. همچنان انحلال اجباری شرکت که مطابق ماده (۱۰۷) قانون متذکره منحل می گردد.:" محاکم تجاری ذیصلاح میتوانند درحالات ذیل شرکت سهامی را منحل نمایند. ۱- در صورت شکایت وزارت تجارت در احوال ذیل: - فریبکاری در ترتیب و ثبت اساسنامه، تجاوز یا سوء استفاده از صلاحیت قانونی ۲- اقامه دعوی توسط یک یا بیش از یک سهامدار در احوال ذیل: - حالتیکه اعضای هیئت مدیره در اداره امور شرکت سهامی موفق نبوده و سهامداران قادر به رفع مشکل نباشند و صدمات جبران ناپذیر به شرکت سهامی و دارائی آن وارد می گردد، حالتیکه اعضای هیئت مدیره یا اشخاص دارنده کنترل بر شرکت سهامی به شکل غیر قانونی یا با فریب عمل نموده اند یا مینمایند، حالتی که سهامداران در صلاحیت رای دهی خود به مشکل مواجه و در مدتی که شامل دو جلسه متواتر مجمع سالانه بوده اعضای هیئت مدیره را انتحال نکرده باشند. ۳- اقامه دعوی توسط دائن در احوال ذیل: - حالتی که طلب دائنین قبلاً منتج به اقامه دعوی شده و فیصله محکمه در مورد تادیه دین تطبیق نشده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد، حالتی که شرکت سهامی بطور کتبی اقرار نموده باشد که طلب دائنین واجب التادیه بوده و شرکت سهامی قادر به پرداخت دیون نباشد و هرگاه شرکت مورد دعوی قرارگیرد، انحلال داوطلبانه آن تحت نظارت محکمه صورت می گیرد." حکم محکمه به جهت انحلال شرکت اغلب به این طریق خواهد بود که اشخاص ذینفع به محکمه مراجعه و در موارد ذیل انحلال شرکت را از محکمه تقاضا می نمایند :

1. در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیت های شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف مانده باشد .
2. در صورتی که مجمع عمومی سالیانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سال های مالی تا دو ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد .

3. در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زائد بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد .

4. در صورتی که مدت شرکت سپری شده و یا موضوع شرکت انجام یافته و یا انجام آن غیر مقدور است و مجمع عمومی برای انحلال تشکیل نشده یا از دادن رأی به انحلال خود داری می نماید .

در موارد فوق هم چنان که ذکر شد اشخاص ذینفع می توانند از محکمه تقاضای انحلال شرکت را بنمایند . محکمه جز در موارد انقضاء مدت و انجام یافتن موضوع شرکت نسبت به بقیه موارد بالا بلافاصله بر حسب مورد به مرجعی که در شرکت صلاحیت دارند از قبیل هیئت مدیره یا مفتش مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند می دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند . هر گاه در ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال مرتفع نشود محکمه حکم به انحلال شرکت می دهد . امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر در اساسنامه یا مجمع عمومی ترتیب دیگری مقرر شده باشد . هر گاه انحلال شرکت به علت ورشکستگی به عمل آید تابع مقررات قانون امور ورشکستگی می باشد . چنانچه قانون افلاس؛ ورشکستگی را چنین تعریف نموده است: "هنگامی که یک تاجر یا شرکت تجاری بندش و وقفه کارا به آن درجه میرسد که از تادیه قروض و یا سایر تعهدات نقدی خود عاجز میآید در نتیجه ظهور چنین احوال ورشکستگی حاصل می شود." همچنان ماده (۸۴۷) قانون مدنی مفلس را چنین تعریف کرده است: " هرگاه مدیون از پرداخت دیون مستحق الاداء امتناع آورد و چنین ظاهر شود که دیون از مال بیشتر بوده خوف ضیاع دارائی او نزد داننین موجود باشد یا مدیون دارائی خود را مخفی ساخته و یا به نام دیگری قید کرده باشد مفلس شناخته می شود." مفلس به چهار شرط زیر از تصرف در اموالش ممنوع پنداشته می شود: یکی اینکه دین او نزد حاکم شرع ثابت گردد، دوم مدت دین او به سر رسیده باشد، سوم مالش از دینش کمتر باشد و چهارم داننین تقاضای حجر² او را کنند. و تمام فقه ها متفق القول اند که افلاس سبب حجرخاص برای مدیون و منع تصرف وی می گردد.

² حجر به معنی باز داشتن از انجام کاری را گویند، و به اصطلاح حقوقی به معنی عدم اهلیت استیفا و منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند.

نتیجه گیری

طوری که در مقدمه این تحقیق یادآوری گردید، حفظ و توان اقتصادی هر جامعه درآینده درگرو سرمایه‌گذاری با ارزش امروز آن جامعه است، سرمایه‌گذاری مطلوب موتور محرکه توسعه ای اقتصادی و اجتماعی است. این راهی است که هیچ مکتب نظام اقتصادی در آن شک ندارد. بنابراین، باید گفت که رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی در بلند مدت بدون توجه به سرمایه‌گذاری و عوامل مهم موجود در محیط سرمایه‌گذاری که بر آن تاثیر می گذارد، امکان پذیر نیست. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تصمیم گیری در ارتباط با سرمایه‌گذاری در داخل یک کشور، میزان ریسک یا خطرات آن است. بنابراین سرمایه‌گذاران در تصمیم گیری سرمایه‌گذاری شان در شرکتها توجه زیادی دارند. افزون براین شناخت عوامل عمده ای که سرمایه‌گذاری در شرکت ها تاثیر می گذارد، نیز دارای اهمیت است تا ازین طریق سرمایه‌گذاران بتوانند با درنظرگرفتن آن عوامل و میزان تاثیر آنها، در ارتباط با سرمایه‌گذاری در شرکت خود برنامه ریزی کنند و به یک سرمایه‌گذاری مطلوب دست یابند.

مسلك تجارت از جمله پیشه های است که پیغمبر اکرم حضرت محمد "ص" به آن پرداخته و درطول سده ها از شهرت نیک برخوردار بوده است. تجارت در اسلام برپایه معنویت و فضیلت استوار است. اسلام به تجارت بهای فراوان میدهد و حتی کمال و نقصان عقل را بدان مشروط میسازد، بدین معنی که مبادرت به پیشه تجارت ملاک رشد و شکوفائی عقل تلقی گردیده است. یکی از مباحث مهم و اصولی در اقتصاد مسئله اخلاق است. از نظر اسلام فعالیت های تجاری و اقتصادی باید توأم با اخلاق و معنویت بوده تا راه حاصله مشروع باشد.

شرکت های سهامی دارای نقش اقتصادی و تجاری مهم و موثری در داخل افغانستان بودند و به دلیل وسعت فعالیت های آنها در سطح تجارت داخلی و بین المللی و رقابت در این زمینه، نمی توان اهمیت این نوع شرکت ها را به قلمرو مرزهای افغانستان محدود نمود، اما متأسفانه به دلیل نامعلوم قانون شرکت های سهامی از طرف بعضی از اشخاص و حاکمان وقت لغو گردید.

مقررات راجع به مدیریت، بخصوص در شرکت های سهامی به علت توسعه امور تجاری بین المللی به طرف وحدت گرایش پیدا کرده است و در امور مدیریت در دنیا علی الرغم سوابق اجتماعی و تاریخی، مشکلات مشابه وجود دارد، مانند: تکالیف راجع به دقت، صداقت و مراقبت مدیران و جلوگیری از تراکم دعاوی مسئولیت علیه مدیران طوری که ملاحظه شد در نظام های مختلف حقوقی سیستم وحدت مدیریت را انتخاب نموده اند.

پیشنهادات

در اهمیت شرکت های سهامی همین نکته کافی است که بگوئیم در کشورهای صنعتی و پیشرفته هشتاد در صد فعالیت های اقتصادی و تجاری توسط شرکت های سهامی صورت میگیرد. اگر کشوری بخواهد که پیشرفت نماید، باید در چنین کشوری مشارکت عمومی رخ دهد یعنی با جمع آوری پس انداز های اندک مردم یک فعالیت اقتصادی و مولد شکل گیرد تا کشور در مسیر انکشاف گام بردارد و بهترین بستر در این خصوص شرکت های سهامی میباشد. مفاد یا سود پاره ای از شرکتهای سهامی در دنیای امروزی معادل درآمد ملی چندین کشور است. و موارد ذیل را پیشنهاد مینمائیم:

الف: قانون شرکت های سهامی با روحیه بین المللی و مصادیق تاریخی آن باید تصویب و تنفیذ شود.

ب: بازار های مالی باید به شکل سیستماتیک و منظم احیا و ایجاد شود.

ج: کمیته نظارت متشکل از افراد متخصص د افغانستان بانک و وزارت صنعت و تجارت ایجاد گردد.

د: فرصت های سرمایهگذاری های بزرگ باید بررسی و بشکل مفصل توضیح گردد.

ذ: قرارداد های استصناع باید ترویج و مقررات سهل تدوین گردد.

ر: بررسی سرمایهگذاری های خارجی که متقاضی سرمایهگذاری در قالب شرکت های سهامی می باشد.

ز: بسیج مردم در قبال شرکت های سهامی و شفافیت در سرمایهگذاری ها مختلف

د: حمایت قاطع و تضمین دولت از شرکت های سهامی و بازار های مالی در کشور

منابع و مأخذ

- [1] ف. و. ف. اکرم، کلیات مدیریت مالی، تهران: انتشارات جنگل، 1382.
- [2] و. عدلیه، "اصولنامه تجارت"، 1385، p. 25.
- [3] و. عدلیه، پالیسی صنایع، 9، 1391.
- [4] گوگل، "بزرگترین بازارهای بورس جهان"، [متصل].
- [5] ع. محمود، حقوق تجارت، تهران: نشر میزان، 1381.
- [6] و. عدلیه، "قانون تجارت"، 1382.
- [7] و. عدلیه، "قانون شرکتهای سهامی و محدودالمسئولیت"، p. 15، 1385.
- [8] T. Sarfarz، Interviewee، *GD ACBR-IP*. [مقابله]. 2022 5 15.
- [9] و. عدلیه، "قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت"، p. 8، 1385.
- [10] و. عدلیه، "قانون تجارت"، p. 47، 1336.
- [11] و. عدلیه، "قانون تجارت"، p. 59، 1336.
- [12] و. عدلیه، "قانون شرکت های دولتی"، p. 94، 1397.
- [13] و. عدلیه، Artist، *قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت*. [Art]. 1385.
- [14] و. عدلیه، "قانون شرکت های دولتی"، p. 17، 1397.
- [15] دانشنامه، "www.daneshnameh.roshd.ir/mavar-index.com"، 2013. [متصل].
- [16] و. عدلیه، "اصولنامه تجارت"، *قانون تجارت*، p. 68، 1336.
- [17] و. عدلیه، "قانون شرکت سهامی و محدودالمسئولیت"، p. 25، 1385.
- [18] و. عدلیه، "قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت"، p. 44، 1385.
- [19] و. عدلیه، "قانون شرکت های سهامی و محدودالمسئولیت"، p. 24، 1385.
- [20] ف. و. ف. اکرم، کلیات مدیریت مالی-ص ص ۴، تهران: انتشارات جنگل، 1382.
- [21] ع. محمود، حقوق تجارت، ص ص ۲۳-۴۱، تهران: نشر میزان، 1381.
- [22] w. sherkat2.asp.com، "وانک"، 2018. [متصل].
- [23] Available: www.daneshnameh.roshd.ir/mavar-. [متصل]. 2001 5 15. w.-. i
- index.com
- [25] گوگل، "بزرگترین بازار های بورس جهان"، 2022. [متصل].

